



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۲
۱۳۸۴ خرداد ۱۱
اژوئن ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

نمایش مسخره انتخابات را قبل از ۲۷ خرداد به شکست بکشانیم

حکومت وجود دارد امکان حرکتی
متحد و میلیونی علیه این انتخابات
را فراهم آورده است. این فرصت را

عقب نشینی بزرگ به جانان حاکم!
اتحاد و هم نظری ای که در میان
صوف میلیونی ما مردم برای نه
گفتن به این نمایش مسخره و کل

مردم بجان آمده!
مضحکه انتخاباتی امسال
حکومت منفور اسلامی فرصتی
است برای تحمیل یک شکست و

صفحه ۲

کارگران اخراجی شاهو در سندج پیروز شدند

در اطلاعیه قبل به اطلاع رساندیم
که امروز صبح کارگران شاهو همراه با
همسران و فرزندان و نیز تعداد دیگری از
کارگران و مردمی که به آنها پیوسته

کارگران اخراجی شاهو که از
چندماه قبل برای بازگشت به کار به یک
مبارزه سرسختانه و متحدانه دست زده
بودند، امروز به پیروزی رسیدند. اداره
کار امروز در برابر اراده واحد و مصمم
کارگران شاهو تسلیم شد.

صفحه ۴

جنبش چپ در کردستان و فاز جدید مبارزه (۲)

محمد آسنگران

جوانان و ... در کردستان حرف بزنم.
اما قبل از اینکه به جنبشهای
اجتماعی جوانان و زنان بپردازم برای
درک درست لازم است جایگاه
سنتهای سیاسی و نقش احزاب در
کردستان را مختصراً مروری بکنیم.
زیرا بدون در نظر گرفتن نقش و سنت
این احزاب نمیتوان به دقت جایگاه و
موقعیت جنبشهای اجتماعی را
نشان داد.

در قسمت اول این نوشته به
اختصار موقعیت جنبش کارگری و
موقعیت چپ را مورد بحث و بررسی
قرار دادیم. اکنون در این بخش سعی
میکنم که در مورد تاثیر جنبش
ناسیونالیستی و مقابله کمونیزم
کارگری در ابعاد اجتماعی با جنبش
و احزاب ناسیونالیستی صحبت کنم
و پیشرویهایی جنبش کمونیزم
کارگری و نقش آن در پیشرفت
جنبشهای اجتماعی، جنبش زنان و

صفحه ۳

قالیباف در سندج با اقتضاح روبرو شد

میدان استقلال سندج تجمع کردند و
مرتب از مردم میخواستند که به
استقبال قالیباف بروند. اما مردم
منتظر فرصتی بودند که بتوانند به آنها
حمله کنند. چند تیم از جوانان در اطراف
میدان منتظر بودند با شلوغ شدن بیشتر
فرصتی ایجاد شود و با تخم مرغ و

از چند روز قبل رادیو تلویزیون و
رسانه ها و ارگانهای رژیم تبلیغات
زیادی حول سفر قالیباف به سندج راه
انداخته بودند. مقامات دولتی انتظار
داشتند حداقل نیروهای خودشان در
مراسمی که برای او ترتیب داده بودند
شرکت کنند. امروز صبح حدود ۴۰۰
نفر از نیروهای نظامی و بسیج رژیم در

صفحه ۴



زنده باد دانشجویان پلی تکنیک!

صفحه ۴

زنده باد مبارزه مشترک زنان و مردان شاهو

پایان رسید و اداره کار اعلام کرد که
همه کارگران اخراجی به سر کار بر
میگردند و اگر کارفرما موافقت
نکند دادگاهی و محاکمه خواهد
شد. کارگران پیروزی شان را جشن
میگیرند، به دوستانشان زنگ
میزنند، خبر بسرعت در شهر
میپیچد، موج خوشحالی همه را در
بر میگیرد. مدتی قبل کارگران
نساجی کردستان در ادامه یک
مبارزه سرسختانه پیروز شده بودند،
بدنبالش کارگران رادیاتورسازی
آلومین و امروز کارگران رزمنده
شاهو. در محافل مختلف بحث از
این پیروزی ها است. کارگران

قرار است به سر کار برگردند. زنها
واقعا جسورتر بودند، بالاخره اینهمه
دوندگی نتیجه داد. دستتان درد
نکنند" این خبر را ساعت یک
بعدازظهر روز شنبه ۷ خرداد یکی از
کارگران در حالیکه صدایش از
شادی میلرزید طی تماسی تلفنی به
من اطلاع داد. امروز صبح کارگران
شاهو و همسرانشان طبق قرار قبلی
مقابل اداره کار تجمع کرده اند. یک
ساعت قبل وارد اداره کار شده اند تا
مذاکره کنند. علیرغم روحیه
مصممی که در آنها میبینم اما زیاد
به نتیجه مذاکره و این مبارزه
خوشبین نیستند. فکر میکنند
دوندگی و مبارزه خیلی بیشتری لازم
است. اما مذاکره خیلی سریع به



نسرین رضانعلی

"کارگران پیروز شدند،
قراردادهای کار آنها ابقا شد، فدای
تو بشوم، اگر شما نبودید کارگران
موفق نمیشدند، صحبتهای شما
روحیه آنها را خیلی بالا برد، همه

صفحه ۲

صفحه ۴

حمایت فعالین کارگری سندج از کارگران نساجی شاهو

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیو را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

باید دریا بایم. باید عزم کنیم که مضحکه انتخابات را به یک شکست فراموش نشدنی برای حاکمین و یک پیشروی خود در برابر آنها تبدیل کنیم. رژیم مشروعیتش را بیش از همیشه از دست داده است. حتی در میان کسانی که روزی پاره تن این رژیم بودند، سر سوزنی از امید به رژیم نمانده است. شکست این مضحکه انتخاباتی، بحران حکومت را بشدت عمیق تر میکند و سرنگونی آنرا سرعت می بخشد. از هم اکنون این انتخابات را به چماقی علیه ما تبدیل کرده اند. شناسنامه های مردم را گرو میگیرند تا آرای بیشتری به صندوق ریخته شود، کار

نساجی گفته اند وقت مناسبی است که دوباره دست به اعتصاب بزنیم هنوز بعضی از خواستهایمان که قبلا روی آنها توافق شده، اجرا نشده است. روحیه مبارزه جوئی در میان کارگران موج میزند.

این روزها را بسرعت در ذهنم مرور میکنم. کارگران شاهیو چه سرسختی ای از خود نشان داده اند. در طول دو هفته گذشته چندین تجمع اعتراضی در سنجند داشتند، روز سوم خرداد به تهران رفتند و در مقابل مجلس اعتراض کردند روز بعدش در مقابل وزارت کار، از تهران برگشتند و خود را برای امروز آماده کردند. در طول این دو هفته چندین نفر از آنان با رادیوهای مختلف مصاحبه کردند، رادیو انترناسیونال، تلویزیون انترناسیونال، رادیو پژواک در سوئد و رادیو فردا. هنوز جماعات کارگری که یقه سرهنگ گل عنبری را گرفته بود و به او نهیب زده بود که شماها پتکی در دست سرمایه داران هستید و ضمن اشاره به تجمع خانواده "شهدا" گفته بود آن جمعیت را میبینی؟ آنها خانواده شهدائی هستند که پسران و همسرانشان چماقی بودند بر سر ما مردم، آنها کشته شده اند و خانواده هایشان آمده اند از این مفتخوره های مجلس حقوقشان را گدائی کنند. خانواده های شما هم فردا همین سرنوشت را پیدا میکنند، از ذهنم نرفته است. چنان حقانیتت در این اعتراض بود و چنان این حرفها سنگ را آب میکرد که سرهنگی که برای سرکوب آمده بود معدرت خواسته و از محل دور شده بود. حتی يك ماه قبل، این روحیه در

و مزد و زندگی و تحصیل فرزندان ما را گرو گرفته اند، تا عده ای اجبارا در این نمایش کثیف شرکت کنند. این انتخابات نیست. این يك بازی تنفر آور علیه مردم است و باید بر سرشان خراب شود.

نشستن در خانه و بی تفاوتی پاسخ مناسبی به این پروژه حکومت نیست. میتوانیم و باید آنرا به شکست بکشانیم. باید تا قبل از روز ۲۷ خرداد کاری کرده باشیم که شکست این پروژه برای همه مسجل شده باشد. چنان برتحرك به میدان بیائیم که سران رژیم به وحشت بیفتند و روحیه نیروهایشان در هم شکسته شود. در روزهای باقیمانده

آنها دیده نمیشد. آنها به نیروی خودشان اعتماد زیادی نداشتند و قدرت خودشان را نمیدانستند، بیشتر مشغول نامه نگاری با ادارات دولتی بودند، نمیدانستند که این نامه نگاری ها اگر نیروی اعتراض پشت سر آن نباشد مفت نمی آرد. مستاصل و ناامید بودند، خود را شکست خورده و بی قدرت احساس میکردند. فکر نمیکردند ممکن است روز هفتم خرداد شاد و پیروز از مذاکره برگردند. اما ظرف مدت کوتاهی همه چیز عوض شد. به سازمانهای کارگری نامه نوشتند و همه زیر آنرا امضا کردند، مردم سنجند را فراخوان دادند که از آنها حمایت کنند و همه زیر آنرا امضا زدند، همسرانشان شروع به شرکت فعال در اعتراض آنها کردند و مقاومت برخی همسران مرد را که مایل نبودند همسرشان به خیابان بیاید و در اعتراض شرکت کند عقب رانند. بیخود نبود که امروز رفیقئی که با من حرف میزد از جسارت زنان کارگر برایم میگفت. بعد از چند تجمع به تهران رفتند و دو تجمع اعتراضی در تهران برگزار کردند. در تهران با چند رادیو و تلویزیون مصاحبه کردند و صدایشان را به گوش مردم رساندند. دوستان و همکارانشان نتیجه تجمع آنها در مقابل مجلس را از رادیوها و تلویزیون شنیدند. همسرانشان صدای همسران خود را از رادیو و تلویزیون شنیدند. در تهران که بودند با هم پیمان بستند که تا پای مرگ برای احقاق حقوق خود خواهند ایستاد. مگر چه چیزی دارند که از دست بدهند. در طول این ۲۵ سال و

هرتحرك انتخاباتی آنها را به صحنه اعتراض تبدیل کنیم. پوستهایشان را پاره کنیم و حتی يك ساعت نگذاریم روی دیوار بماند، در و دیوار را از اشعارهای سرنگونی و آزادیخواهانه پر کنیم، کاندیدهایشان را هو کنیم و سخنرانی آنها را به صحنه افشاگری و اعتراض بدل کنیم. و در روز انتخابات ۲۷ خرداد خود را برای بزرگترین اجتماعات اعتراضی آماده کنیم اما شب قبل از آن، همه جا بیرون بیائیم و شکست این مضحکه را جشن بگیریم. شب قبل از انتخابات روز جشن مردم است. روز اعلام شکست رژیم است، روز رای نه میلیونها مردم است. روز

۲۷ سال کار طاقت فرسا در محیط ناامن و غیربهداشتی کار چه سرمایه ای اندوخته اند که نگران آن باشند، کدام ملک و املاکشان را کسی مصادره خواهد کرد، کدام اندوخته بانکی شان را از آنها خواهند گرفت، از کدام مقام و منصب عزلشان خواهند کرد! و همسرانشان در سنجند همبیکر را دیدند و قرار و مدار گذاشتند که فعال تر از گذشته در اعتراض شرکت کنند و گوش به برخی همسران مرد که مانع شرکت فعال آنها میشوند ندهند. مگر در همه درد و رنج همسران خود شریک نیستند، مگر غم و غصه تهیه غذای بچه ها را با هم نمیخورند، مگر مزه تلخ فقر و نابرابری را با هم نمی چشند. پس چرا نوبت به اعتراض که میرسد زنان باید در خانه بمانند و یا حداکثر در حاشیه کاری بکنند. مگر آنها نمیتوانند بخوبی مردها اعتراض کنند، مگر آنها نمیتوانند مثل مردها از حقوق خود دفاع کنند، مگر نمیتوانند حقشان چیست، مگر نمیتوانند سخنوران خوبی باشند، مگر نمیتوانند مبلغان و سازماندهندگان برجسته ای باشند. نه، دیگر این نابرابری را تحمل نخواهند کرد.

انعکاس گسترده اعتراض آنها در مقابل مجلس روحیه جدیدی در آنها ایجاد کرد. یکی از کارگران میگفت کمتر کسی اسمی از شاهیو شنیده بود اما امروز مبارزه کارگران این کارخانه همه جا پیچیده است. نماینده مجلس و معاون وزیر و سرهنگ نیروی انتظامی را وادار به معذرت خواهی کرده بودند. میدیدند که کسی جرات نکرده است

بایکویی ما است. روز اعلام پیروزی مردم است. با تاریخ شدن هوا همه، پیر و جوان و زن و مرد، در تهران و سراسر کشور از خانه بیرون بیائیم و یکپارچه بر رژیم و بساط انتخاباتش مهر باطل بکوییم.

مردم رژیم در تشمت و انزوی کامل است، شکننده است، بر دریای خشم و نفرت عمومی نشسته است. مضحکه انتخاباتشان را بر سرشان خراب کنیم و قبل از روز انتخابات شکست آنرا قطعی و مسجل گردانیم و آنرا به جهانیان اعلام کنیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی برابری حکومت کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

با زبان تهدید با آنها صحبت کند، میدیدند که مقامات روی آنها حساب میکنند و عجز و لابه میکنند. ترسشان به تمامی ریخت، ضعف جبهه مقابل را مشاهده کردند. اگر در تهران نماینده مجلس و معاون وزیر کار و سرهنگ گل عنبری با زبان معذرتخواهی با آنها صحبت کرده اند، چرا اجازه دهند که ماموران رده پائین تر در سنجند به زبان تهدید با آنها حرف بزنند. جسارتشان بیشتر شد. نمیدانستند که ۳۰ کارگر ممکن است اینهمه قدرت داشته باشند، نمیدانستند که تاثیر همستگی دیگران با آنها اینقدر زیاد است، روی انعکاس صدای آنها از رادیوها و تلویزیون زیاد حساب نمیکردند. از تهران آتشی تر به سنجند برگشتند و مورد استقبال گرم همسران و دوستانشان قرار گرفتند. قدرت بیشتری در خود احساس میکردند. در مقابل کارفرما و اداره کار و نیروی انتظامی قدرتشان بیشتر شده بود. صدای همبستگی را اینجا و آنجا میشنیدند. و بالاخره تجمع امروز آنها بزرگتر و تعرضی تر شد. از سنجند و سقز دهها نفر آنها را در اجتماع امروز همراهی کردند. همسرانشان جسور و بیباک در تمام لحظات با آنها بودند، نه پشت سر آنها که همدوش آنها اعتراض میکردند و در مذاکره شرکت میکردند. ساعت يك بعداز ظهر این همبستگی، این روحیه بالا، رزمندگی و عزم و اراده محکم نتیجه داد و به آنها اعلام شد که همگی به سر کار برمیگردند. آنها میدانند که وزارت

ادامه جنبش چپ در کردستان و فاز ...



دوره نقد تجارب کومه له و نشان دادن راه برون رفت از آن سنتها، و برجسته شدن جنبش چپ و کارگری دیدیم که بخشی از کومه نتوانست آنرا هضم کند. علاوه بر مسایل عمومیتر و جهانی کمونیسم، یکی از دلایل

جدایی بخش عظیمی از رهبری و کادرهای حزب کمونیست آن دوره و ایجاد حزب کمونیست کارگری ایران نقد سیاستها و سنتهای ناسیونالیستی بود. بخش به جامانده در کومه قدیم هیچ وقت نخواست و نتوانست از آن سنتهای سیاسی و نظامی خود را خلاص کند. حتی بخشی از کومه بعد از جدایی از آن سازمان تحت عنوان سازمان زحمتکشان به سنتها و سیاستهایی رجوع کرد که آشکارا نژادپرستانه است. اینها حتی یک جریان سیاسی ناسیونالیستی شبیه حزب دمکرات هم، نیستند. این جریان بشدت ارتجاعی و قومپرست است.

به همین دلیل هم جایگاهی در میان مردم پیدا نکرده است. سنتهای احزاب ناسیونالیستی و اتکای بیش از حد کومه بر سنت جنگ مسلحانه در اوایل جنگ با جمهوری اسلامی عملاً جنبشهای اجتماعی و مدرن را در کردستان به حاشیه رانده بود. این روند به نسبت جایگاه جنگ مسلحانه نزد چپ جامعه همچنان ادامه داشت. از اواسط دهه ۶۰ به بعد به نسبت کم رنگ شدن جایگاه و تاثیرات عملی جنگ مسلحانه فضای نفس کشیدن برای فعالین جنبشهای دیگر فراهم گردید. تا این مقطع فعالین چپ در داخل شهرها بر اساس همان سنت ناسیونالیستی نقش تدارک پشت جبهه نیروی مسلح را بازی میکردند. حزب دمکرات به عنوان حزبی سنتی و ارتجاعی ناسیونالیست کرد اساساً در مقابل این جنبشهای مدرن و برابری طلبانه بوده است.

از نیمه دهه ۶۰ به بعد به تدریج

ما شاهد سر برآوردن فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی هستیم. با سازمان دادن اتحادیه صنعتگر در سنندج برای اولین بار رهبران و فعالین جنبش کارگری بعد از حاکمیت رژیم اسلامی در این شهر توانستند سنت دیگری را در سطح اجتماعی به جامعه معرفی کنند. این حرکت آگاهانه یا ناآگاهانه سنتی را در جامعه پایه گذاری کرد که راه را برای رهبران و فعالین جنبشهای اجتماعی باز کرد. اما همین تجربه هم به دلیل تاثیر سنتهای غیر کارگری و غیر اجتماعی عمر کوتاهی داشت.

اما بعد از افت و خیزهای زیادی بالاخره در چند سال اخیر تحرك جدی از جانب فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی آغاز شد. تحت تاثیر سیاستها و سنتهای کمونیسم کارگری اکنون ما شاهد وجود طیف قابل توجهی از شخصیتها و رهبران و فعالین جنبشهایی هستیم که قبلاً امکان و توان سر بر آوردن نداشتند.

فاکتورهای مهمی که اینرا باعث شدند، یکی تغییر تناسب قوا بود که بوسیله همین فعالین در ابعاد محدود تری قبلاً ایجاد شده بود. ولی مهمترین از فاکتور تعادل قوا سنت و سیاستی بود که حزب کمونیست کارگری در میان فعالین جنبشهای اجتماعی و کارگری رواج داده بود.

بی جهت نیست که تمام حرکات و جنبشهای اجتماعی رادیکال و چپ در کردستان اکنون تحت تاثیر سیاستهای حزب کمونیست کارگری و سنتها و سیاستهایی است که این حزب در جامعه مطرح کرده است و یا رهبران و فعالین این حزب مستقیماً دست اندر کار آن میباشند.

بحث سیاست سازماندهی ما، بحث اژیتاتورها، بحث حزب و جامعه و حزب و شخصیتها و ... که منصور حکمت آنها را نوشت همگی در این جهت و به این منظور بود که رهبران جامعه علنی و در سطحی اجتماعی به میدان بیایند و

در عین حال سیاستی رادیکال و کمونیستی را نمایندگی کنند.

آخرین بحث و سیاست در این زمینه بحث هویت یابی و تعیین بخشی رهبران و فعالین است که حمید تقوایی آنرا در ادامه بحث حزب و جامعه مطرح کرده است. کردستان که قرار بود لانه ناسیونالیسم کرد و ناسیونالیسم چپ باشد اکنون بجز افکار سنتی و بخش عقب مانده جامعه کسی آنها را جدی نمیگیرد.

بخش پیشرو و فعالین و رهبران جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی اکنون سیاست و سنتی را نمایندگی میکنند که بیش از همیشه با سیاستها و اهداف حزب کمونیست کارگری تداعی میشوند. اخبار و حرکات همین چند ماهه اخیر، نساجی، شاهو، آلمین، اول مه، دانشگاه آزاد سنندج، کودکان و ... همگی نشاندهنده این واقعیت است که نسل جوان و رهبران پیشرو جامعه انتخاب خود را کرده اند. جریانات ناسیونالیستی و

ناسیونالیسم چپ جایگاه و پایگاه جدی در این جنبشها ندارند. برای اثبات این مدعا کافی است به سایتها و نشریات آنها رجوع کنید که به عنوان کسانی پرت و دور از واقعیات جامعه خود را به نمایش گذاشته اند. ناسیونالیسم چپ در کردستان تلاش میکند که خود را از تب و تاب نیندازد اما آنها هم با منعکس کردن محدود و بی سرو ته همین اتفاقات اجتماعی بیربط بودن خودشان را نشان داده اند. جریانی که دست اندر کار حرکتی نباشد قادر به انعکاس واقعی و جزئیات اخبار هم نیست. جریانی که مشکل رهبری و هدایت این مبارزات را نداشته باشد کسب جزئیات اخبار هم اهمیت خاصی برایش ندارد.

در این میان تنها جایی که اثری از جریانات ناسیونالیستی دیده شد ۸ مارس بود. به مناسبت این روز تحت فشار اجتماعی جریان چپ و رادیکال جامعه جریانات ناسیونالیستی تلاش کردند که آنها هم وارد این عرصه شوند. اما به

دلیل سنت و عقب ماندگی و بیربط بودن این جنبش آنها در این روز سخنگوی بخشی از رژیم اسلامی شدند.

اما با همه این اوصاف اکنون جنبش زنان و جوانان در کردستان جایگاه جدی ای در جامعه پیدا کرده است. این جنبشها شعار، مطالبات، و سنتهایی را نمایندگی میکنند که رادیکال و ماکزیمالیست است. این جنبشها اساساً با پرچم چپ در جامعه ظهور کردند، و به نسبت تاثیر پذیری از چپ جامعه توانسته اند در سطحی اجتماعی مطرح شوند. طبعاً همه این جنبشها در کردستان از جنبش کارگری و کمونیسم اجتماعی و حاضر در میدان تاثیر پذیرفته اند.

اما يك نکته مهم را همین جا باید تاکید کنم این جنبشها بر عکس جنبش کارگری هنوز کم تجربه و در سطحی محدود توانسته است پا به میدان بگذارد. قطعاً فعالین و رهبران این جنبشها هم مثل جنبش کارگری بحران دوران بلوغ را از سر میگذرانند. اکنون ما در جنبش کارگری مثل دهه ۶۰ و ۷۰ با يك طیف هماهنگ از فعالین جیش کارگری روبرو نیستیم.

فعالین رادیکال و سوسیالیست جنبش کارگری دست اندر کار فعالیت در محل کار و مبارزات روزمره کارگران در سطح وسیعی در حال گسترش و مطرح شدن هستند. این روند با سرعت قابل توجهی همچنان در جریان است و این امید بخش است. نقش و تاثیر سیاستها و فعالین حزب کمونیست کارگری در پیشبرد این مبارزات چیزی نیست که پنهان باشد جامعه اینرا دیده و اهمیت آنرا دریافته است. ما همه فعالین جنبشهای اجتماعی را به ارتباط منظم تری با حزب فرا میخوانیم. ارتباط با حزب و استفاده از امکانات حزب کمونیست کارگری يك امر مهم فعالین جنبشهای اجتماعی برای پیشبرد مبارزاتشان باید باشد.

آورد و تحسین همه را برانگیخت. زنده باد اتحاد، زنده باد همستگی، زنده باد مبارزه مشترك زنان و مردان شاهو.

مخاطره کردند. بعد از نساجی کردستان که آوازه اش همه جا پیچیده بود، اسم شاهو هم همه جا طنین انداخت. نمونه ای موفق از يك اعتصاب کارگری همه را به وجد

است که در هفته های گذشته بدست آورده اند.

گزارش پیروزی شان را چهار نفر از آنها از رادیو انترناسیونال و تلویزیون انترناسیونال به همه جا

جواب وزارت اطلاعاتی ها را هم خواهند داد. دسته جمعی جواب خواهند داد. اگر کسی را احضار کردند همه با هم خواهند رفت. این هم بخشی از اتحاد و همدلی بالائی

در کردستان جنبش های اجتماعی تاریخاً تحت تاثیر جنبشهای ناسیونالیستی و پیشمرگایستی بوده اند. جنبش مسلحانه در کردستان علیرغم تمام دستاوردهایش در مقابله با جمهوری اسلامی، تاثیرات منفی بر این جنبشها داشته است که این يك موضوع جداگانه ای است و امیدوارم در فرصت دیگری به آن بپردازیم. اما با این وجود نمیتوان در کردستان از مبارزات مردم و جنبشهای اجتماعی حرف زد، اما جایگاه جنبش مسلحانه و بویژه تاثیرات مخرب جنبش ناسیونالیستی را نادیده گرفت.

سنت اعتراضی و دیرین احزاب ناسیونالیستی در کردستان اساساً بر دو پایه استوار بوده است. جنگ مسلحانه و مذاکره و سازش، اینها دو پای سیاست ثابت جریانات ناسیونالیست بوده است. این سیکل جنگ و مذاکره در میان جریانات چپ سنتی کردستان به اتکای يك جانبه به سنت جنگ مسلحانه تعبیر شد. شکل، شیوه و اهداف جنبش مسلحانه جریانات چپ در کردستان را بسختی میتوان با شکل، شیوه و اهداف جنبش مسلحانه از جریانات ناسیونالیستی تمیز داد. سنت جنگ مسلحانه در کردستان در واقع میراث و سنت جریانات ناسیونالیستی بود که جریانات چپ آنرا اتخاذ کردند و به همان شکل ادامه داده اند.

جریانات چپ و مخصوصاً کومه له به عنوان تنها جریان اجتماعی چپ آن دوره بعد از انقلاب ۵۷ عملاً با اتخاذ همین سنتها فعالیتش را ادامه داد. بعد از يك

اطلاعاتی ها ممکن است آنها را صدا کنند، تهدیدشان کنند، احضارشان کنند. ولی مگر جواب نمایندگان مجلس را نداده اند، مگر جواب جناب سرهنگ را نداده اند.

زنده باد دانشجویان پلی تکنیک!

زنده باد دانشجویان پلی تکنیک!

تظاهرات و اعتراضات دو روز گذشته دانشجویان دانشگاه امیرکبیر را باید گام دوم حرکتی دانست که گام اول آنرا کارگران در اجتماع اول ماه مه برداشتند. کارگران اجازه ندادند که رفسنجانی آفتابی شود و حرف بزند، اینک دانشجویان ادامه می‌دهند: "هاشمی رفسنجانی این آخرین پیام است، جنبش دانشجویی آماده قیام است".

سازمان جوانان کمونیست به دانشجویان پلی تکنیک درود می‌فرستد و همه مردم و دانشجویان دانشگاهها را به همبستگی با آنها، شرکت در اجتماعات شان و همچنین حمایت فعال از خواست

بلافصل آنها (خروج نیروی انتظامی از محیط دانشگاه) فرا میخواند. روزهای گذشته ما شاهد تظاهرات و اجتماعات دانشجویی دیگری بر علیه انتخابات در تهران و شهرستانها بودیم. بویژه در تهران (چه در کوی دانشگاه، چه دانشگاه تهران و چه دانشگاه علامه) صدها دانشجو به اعتراض برخاستند و با شعارهای تندتر و رادیکال تری از تظاهرات امروز علیه رژیم و انتخاباتش اعتراض کردند. اما اهمیت تظاهرات امیر کبیر در این بود که ابعاد توده ای اعتراض علیه رژیم و مضحکه انتخاباتی اش برای همه کس مسجل ساخت.

های وسیع مردم را علیه انتخابات به میدان آورد. تظاهرات امروز دانشجویان امیر کبیر گام مهمی در این جهت بود. یکبار دیگر دست آنها را به گرمی می‌فشاریم. گسترده باد اعتراض دانشجویان علیه مضحکه انتخاباتی مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

سازمان جوانان کمونیست

سه شنبه ۱۰ خرداد ۸۴، برابر ۳۱ مه ۲۰۰۵



تمام کارگران ایران و سازمانهای کارگری جهان از شما میبایسیم. ما را در کنار خود و خانوادهها یتان بدانید. بی شک این اتحاد و همبستگی ما را در راه رسیدن به خواسته هایمان یاری خواهد داد.

کارگران متحده و یکپارچه بر خواستهای خود پافشاری کنند دولت مجبور است کوتاه بیاید، چون از شعله ور شدن خشم و اعتراض یکپارچه مردم در سراسر کشور به وحشت افتاده است. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این پیروزی را به کارگران رزمنده شاهو و همسرانشان، به مردم سندج و کارگران سراسر کشور تبریک میگوید و خود را در شادی و پیروزی کارگران و مردم سندج شریک میدانند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران خرداد ۸۳ - ۲۸ مه ۲۰۰۵

کارگران نساجی شاهو در سندج آنهم پس از سالها کار و زحمت، غیر قابل قبول و غیر انسانی است. ما جمعی از فعالین کارگری و اجتماعی شهر سندج ضمن محکوم کردن حرکت کارفرمایان حمایت خود را از اعتراض و مطالبات مندرج در قطعنامه شما اعلام میداریم. ما خواهان حمایت

اجتماعی در تهران که گفته بود از دست ما کاری ساخته نیست اعلام کرد که روز ۷ خرداد وقتی جلوی اداره کار سندج تجمع کردیم حتما کاری از دستتان بر خواهد آمد. خیالتان راحت باشد که ما کوتاه نخواهیم آمد. و یکی دیگر از کارگران نامه کارگران شاهو به

دیزوی یکی از جوانان از سندج طی گزارشی به کمیته کردستان گفت که چندین خیابان رفته اند عکس و پوسترهای مربوط به انتخابات را پاره کنند اما بجز چند عکس کروی که آنهم پاره شد عکسی بر در و دیوار نمانده بود که پاره کنند. این نشان میدهد که گروه های زیادی از جوانان به این امر مشغولند. زنده باد جوانان سندج! مردم آزادیخواه کردستان جوانان! این نمایش اسلامی را باید بر سرشان خراب کرد نباید هیچ پوستر و شعاری مربوط به انتخابات بر در و دیور شهرها باشد. همه آنها را پاره کنید و

اعلام حمایت فعالین کارگری سندج از کارگران نساجی شاهو

شما سالهای زیادی از عمرتان را در کارخانه ها و کارگاهها به شکلی طاقت فرسا گذرانده اید و چیزی جز نیروی جسم و جانتان را برای فروش و ادامه زندگی ندارید. اخراج شما

ادامه کارگران اخراجی شاهو در...

بودند در مقابل اداره کار تجمع کرده و علیرغم تهدید نیروهای سرکوبگر اداره کار را مجبور به مذاکره کردند و وارد سالن اداره کار شدند. به اطلاع میرسانیم که پافشاری کارگران در جریان مذاکره با مسئولین اداره کار، به نتیجه رسید و اداره کار تسلیم خواست کارگران شد. اعلام شد که همه کارگران اخراجی به سر کار بخواهند گشت و چنانچه کارفرما با پذیرفتن کارگران اخراجی موافقت نکند، دادگاهی و محاکمه خواهد شد.

ادامه قابلیباف در سندج ...

سنگ به استقبال قابلیباف بروند. اما جمعیت چنان کم بود که کسی بجز نیروهای نظامی و بسیج در این میدا حاضر نشد. این مراسم با اقتضاح تمام به پایان رسید و نیروهای نظامی در میان خود به بحث حول این مسئله پرداختند. یکی از آنها میگفت مردم کردستان هیچ وقت با رژیم خوب نبودند. ما نباید انتظار داشته باشیم که مردم در تهران نمی آیند حالا چه انتظاری هست که در کردستان بیایند.

جزوه

“اعتصاب مدرسه انقلاب“

نوشته اصغر کریمی

را تکثیر و پخش کنید

متن کامل این جزوه در سایت روزنه قابل دسترسی است

www.rowzane.com